

عبابافی بهبهان

دکتر سید علی مجابی*

زهرافنایی*

چکیده

عبابافی یکی از ساده‌ترین بافته‌های ایرانی است که بدون هرگونه نقش یا طرح خاصی بافته می‌شود. اگرچه تولید این بافته در مناطق مختلف ایران با شیوه‌ای تقریباً یکسان صورت می‌پذیرد، برخی از شیوه‌های بافت آن در مناطق مختلف ایران، متناسب با کاربرد و نوع مصرف، با یکدیگر تفاوت‌های چشمگیری دارد. یکی از مناطقی که در آن عبا از دیرباز تولید می‌شده و امروزه تقریباً به فراموشی سپرده شده است، بهبهان در شمال شرقی استان خوزستان با حدود یازده کارگاه نیمه فعال است. عبا بهبهان در دو نوع حله و چقه با استفاده از نخ پشمی دست ریس تهیه می‌شود که با حنا یا پوست بلوط رنگ‌رزی، و با شیرۀ خرما آهار داده می‌شود. کارگاه بافت عبا در فضای باز قرار دارد. روش تحقیق این مقاله اکتشافی - میدانی است. نویسنده ضمن بررسی قسمت‌های مختلف دستگاه عبابافی بهبهان و تشریح مراحل بافت آن، اصطلاحات محلی عبابافی آن منطقه را نیز دسته‌بندی کرده و توضیح داده است.

واژه‌های کلیدی: بهبهان، عبا، شیوه بافت عبا، انواع عبا، دستگاه عبابافی، کارگاه عبابافی.

مقدمه

تا آن دوره بسیار بوده است [غیبی، ۱۳۸۵: ۳۸۰، ۴۲۹]. عبا در عهد زندیه رواج گسترده‌ای یافت و به عنوان بالا پوشی استفاده شد که مانند خرقة و جبه روی قبا پوشیده و بر دوش افکنده می‌شد. اما در عهد قاجار عبا شاخصه پوشش روحانیان شد. عبا با موی شتر و به رنگ سیاه بافته می‌شد، به گونه‌ای که در آن آب نفوذ نکند. بهترین عباها در کر بلا، کرمان و کاشان بافته می‌شد. با این حال، به نظر می‌رسد عبا با کلیجه بلند تفاوت چندانی نداشته باشد. آستین عبا یکسره و کوتاه یا بلند است؛ اما کلیجه فقط با آستین بلند دوخته می‌شد [همان‌جا، ۵۱۶ و ۵۶۲].

از مناطقی که در استان خوزستان بافت عبا در آن رواج داشت می‌توان به دزفول، شوش، سوسنگرد و بهبهان اشاره کرد. امروزه، تولید عبا در این مناطق بسیار کم مشاهده می‌شود. گفته می‌شود بافت عبا در این مناطق سابقه ای پانصد ساله دارد. اگرچه بسیاری از ساکنان کشورهای حاشیه خلیج فارس از دیرباز نسبت به این کالا و تهیه و استفاده آن شناخت و علاقه دارند، تجارت آن امروزه با این کشورها به صورت چمدانی انجام می‌شود [www.Tebyan.net].

عبا روپوشی گشاد و بلند است که روی دوش افکنده می‌شود. جلوی آن باز است و آستین‌هایی کاذب دارد و از دیرباز به طور عمدۀ روحانیون از آن استفاده می‌کردند. بافت عبا پیش از این در نایین، قزوین، کرمان، بوشهر و بهبهان مشهور بوده است؛ اما امروزه، تنها نامی از عبا به برخی از این مناطق در اذهان باقی مانده است [متین، ۱۳۸۳: ۱۰۳].

عبا در برخی از منابع، پارچه‌ای نمدی به رنگ کرم تا قهوه‌ای دانسته شده است که از پشم یا نخ و با استفاده از دستگاه‌های نساجی سنتی بافته می‌شود و پس از پایان بافت عملیات تکمیلی روی آن صورت می‌پذیرد و سرانجام پارچه برش خورده، به صورت عبا درمی‌آید [سیدصدر، ۱۳۸۶: ۲۷۹ و ۷۳۵]. از دوران‌های تاریخی ایران نیز برای استفاده از عبا روایت‌های گوناگونی نقل شده است. در عهد ایلخانیان مردم عادی از عبا استفاده نمی‌کردند. در این روزگار، عبا به قدری بلند گرفته می‌شده است که بر روی زمین کشیده می‌شد. در دوره صفویان عبا به صورت شنل آستین دار کوتاه یا بلند در آمد و اهل تصوف و عرفا از آن استفاده می‌کردند. در آن دوره، عبا دکمه یا بند نداشته و بسیار ساده طراحی می‌شده است. شباهت عبا و قبا

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد (sa-majabi@iaun.ac.ir)

* دانشجوی دوره دکتری تاریخ تحلیلی و تطبیقی هنر اسلامی دانشگاه شاهد (researchmanager@iaun.ac.ir)

در حال حاضر، دست کم ده صنعتگر شاخص و برجسته در زمینه عبا بافی در بهبهان فعالیت می کنند که در ردیف سنی بین پنجاه تا هفتاد سال قرار دارند.

روش تحقیق

در این تحقیق برای شناسایی شیوه های بافت و تولید عبا با بهبهان و گردآوری اطلاعات از روش میدانی استفاده شده است. ابزار گردآوری، مصاحبه است و در دو مرحله صورت پذیرفته است. در ابتدا با شناسایی یکی از قدیم ترین تولید کنندگان عبا در سطح شهر و انجام مصاحبه با او به صورت کاملاً آزاد تولید عبا از زوایای مختلف بررسی شده است تا مرحله اکتشافی تحقیقات کامل شود. مرحله دوم مصاحبه با پرسشنامه های تدوین یافته با سؤالات باز و از پنج تن از قدیم ترین تولید کنندگان این هنر اصیل انجام شده است. پس از تحلیل نتایج به دست آمده از این مصاحبه ها، اطلاعات میدانی با بررسی هفت کارگاه از مجموعه حدود بیست مکان کارگاهی عبا بافی شهر استخراج شد. از مجموعه این بیست مکان کارگاهی، فقط یازده کارگاه نیمه فعال بود. جمع آوری اطلاعات میدانی نیز در دو مرحله انجام شد. در مرحله اول سه کارگاه، و در مرحله دوم و با یک فاصله زمانی کوتاه چهار کارگاه بررسی شد. جامعه آماری این تحقیق همان یازده کارگاه نیمه فعال در نظر گرفته شده است.

تاریخچه ارجان

ارجان نامی است کهن که به منطقه بهبهان اطلاق می شود. تقریباً در همه نوشته های تاریخ نویسان آنچه مشترک است این است که "ارجان" در قرن هفتم هجری رو به ویرانی نهاده و این ویرانی و خرابی به تدریج تا به آنجا دامن گسترده که در اواسط قرن هشتم ه. ق یعنی کمتر از یک قرن دیگر هیچ نامی از آن شهر در تاریخ بر جای نمانده است. گفتنی است بهبهان کنونی که ظاهراً اهالی ارجان بدان شهر کوچ کرده اند جایگزین آن شده است [مصدر، ۱۳۷۶: ۲۰، ۲۱].

دایره المعارف اسلامی (۱۹۳۳ م) در مصر نیز ذیل کلمه ارجان آورده است: "ارجان به دست حشاشیون (یکی از القاب اسماعیلیه) خراب و ویران گشت. آن ها بر چند قلعه حصین و مستحکم پیرامون شهر استیلا یافتند و از آنجا به شهر و اطراف آن هجوم آوردند تا سرانجام در قرن سیزده میلادی به دست آن ها سقوط کرد. بعد از این هجوم، دیگر ارجان آبادی سابق را نیافت و بیشتر ساکنین آن به بهبهان مهاجرت کردند."

[الگور، ۵۰-۵۱].

درباره ویژگی های اقلیمی ارجان بیشتر مورخان آورده اند که این منطقه در عین حال که دارای آب و هوایی کوهستانی بوده است، در برخی از فصول سال آب و هوایی مشابه با مناطق دشتی داشته و از این رو میوه های سردسیری و گرمسیری را یک جا در خود جمع کرده بود [اقتداری، ۱۳۶۶: ۱۲۲/۲-۱۲۴]. همچنین گفته اند که مردم برای کاهش گرمای محیط خانه ها با روشی خاص رودخانه طاب را به زیر زمین های خود هدایت می کردند و در نتیجه گرما را تا حد مناسبی کاهش می دادند.

ناصر خسرو در سفرنامه خود درباره ارجان چنین می نویسد: "ارجان شهری بزرگ و در آن بیست هزار مرد بود. بر جانب شرقی آن رودی است که از کوه در آید و به جانب شمال آن رود و چهار جوی عظیم بریده اند و آب از میان شهر به در برده که خرج بسیار کرده اند از شهر بگذرانیده و به شهر آخر بر آن باغ ها و بستان ها ساخته و نخل و ترنج و زیتون بسیار باشد و شهر چنان است که چندان که بر روی زمین خانه ساخته اند و در زیر زمین هم چندان دیگر باشد...". [مصدر، ۱۳۷۶: ۲۷].

تاریخچه بهبهان (پیدایش بهبهان)

اولین باری که نام بهبهان در تاریخ آورده می شود در کتاب تاریخ آل مظفر در سال ۷۵۷ ه. ق در ذکر واقعه لشکرکشی پدر شاه شجاع آل مظفر به لرستان است [همان جا، ۶۵ و ۶۷]. آل مظفر حدود نیم قرن قبل از هجوم تیمور به ایران در لرستان حکومت می کردند. این سلسله از معدود سلسله های ایرانی است که پس از مرگ ابوسعید آخرین حکمران مغول در سال ۷۱۶ ه. ق در کرمان و نقاطی از فارس و لرستان به قدرت رسیدند و با حافظ شیرازی هم روزگار بودند [جعفری، ۱۳۷۹: ۴۱ و ۲۱۸].

نویسنده کتاب "جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی" معتقد است بهبهان را هیچ یک از جغرافی نویسان مسلمان نام نبرده اند و نخستین بار شرف الدین یزدی در ذکر مسیر تیمور از اهواز به شیراز در بهار سال ۷۹۵ ه. ق از بهبهان نام برده و آن را بزرگ ترین شهر ولایت ارجان دانسته است [مصدر، ۱۳۷۶: ۸۷، ۸۸]. اگرچه به نظر می رسد در فاصله زمانی ۷۳۱ تا ۷۵۷ ه. ق وقایعی در منطقه رخ داده باشد که به نابودی کامل ارجان و آغاز آبادانی سریع بهبهان منجر شده باشد [جعفری، ۱۳۷۹: ۴۱ و ۲۱۸].

در مورد وجه تسمیه این شهر و اینکه چرا آن را بهبهان گفته اند

روایات فراوانی وجود دارد. برخی آن را به مفهوم "به از بهتران" یا "به بهان" دانسته‌اند و برخی دیگر بر اساس مطالعات تاریخی موجود این نام گذاری را برگرفته از "شعب بران" می‌دانند که از بهترین و خوش آب و هوا ترین مناطق فارس و در حوالی ارجان و در مسیر این شهر تا شیراز واقع شده بود [۹۱، ۹۲]. به نظر می‌رسد بهبهان یا به عبارتی دیگر "به بهان" در ابتدا "به بران" به معنای بهتر از بران بوده که کم بر اثر سهولت در بیان و آسانی کلام به "بهبهان" تبدیل شده است [همان جا].

جغرافیای بهبهان

شهرستان بهبهان از شمال و شمال خاوری به شهرستان کهگیلویه (دهدشت)، از خاور به شهرستان گچساران، از جنوب به شهرستان گناوه، از جنوب غربی و غرب به شهرستان بندرماهشهر و از شمال غربی و شمال به شهرستان رامهرمز محدود است [بختیاری، ۱۳۸۳: ۱۱۷-۱۱۸، ۱۲۱].

شهرستان، در ۵۸۲ کیلومتر جنوب غربی تهران و ۱۶۸ کیلومتر جنوب خاوری اهواز واقع شده است. ۳۲۰ متر از سطح زمین ارتفاع دارد و دارای ۸۸،۲۱۳ نفر جمعیت بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵ است [گیتاشناسی، ۱۳۶۲: ۱۲۵]. حدود ۶۰ درصد مردم شهرستان بهبهان به کشاورزی و دامداری اشتغال دارند و ۴۰ درصد به حرفه بازرگانی، دولتی و صنعتی مشغول‌اند. گندم، جو، کنجد و خرما از تولیدات عمده کشاورزی این شهرستان است. بخش زیدون و شمال غربی بخش مرکزی شهرستان مناطق عمده زیر کشت، و مناطق صنعتی شامل صنایع نفت و گاز در بخش آغاچاری است. کالاهای صادراتی شهرستان از طریق اهواز به نقاط دیگر فرستاده می‌شود [اقتداری، ۱۳۶۶: ۱۲۲/۲-۱۲۴].

تعریف عبا

"فرهنگ معین" درباره کلمه عبا چنین گفته است: "عبا پوششی است از پشم و جز آن که جلوی شکافته است و بر روی لباس پوشند، روی پوش گشاد و بلند پشمی یا نخی که در میان پیش باز است و دو سوراخ در طرفین دارد که دست‌ها را از آن‌ها بیرون آورند و طبقه روحانیان و جزء آن را بر دوش اندازند." [معین، ۱۳۸۲: ۶۷۷].

"دایره المعارف ایرانیکا" نیز عبا را پوشاکی مردانه می‌داند که در خاور میانه و به ویژه در میان بدویان عرب رایج بوده است و در ادامه چنین می‌گوید: "عبا معمولاً آستین ندارد ولی دو روزنه برای بیرون آوردن دست‌ها در آن است تا عبا را روی شانه نگاه دارند." [الگور، ۵۰-۵۱].

با این حال، برخی منابع عبا را پارچه دست بافت ایرانی دانسته‌اند که در دو نوع تابستانی و زمستانی بافته می‌شود. دهخدا عبا را پوششی بافته شده از پشم و پیش شکافته می‌داند، که بر روی لباس می‌پوشیدند و دو نوع تابستانی و زمستانی دارد [دهخدا، لوح فشرده، روایت دوم]. ایرانی‌ها معتقد است "پوشیدن عبا در ایران چندان رایج نیست و بیشتر به روحانیون اختصاص دارد." عبا پیش از دوره زندگی تنها در میان عشایر رایج بود؛ اما پس از آن مردم شهرها نیز عبا می‌پوشیدند عبا در ایران از کرک شتر بافته می‌شود؛ اما برای تابستان‌ها عباهای خنک تری نیز تهیه می‌شود [همان جا].

جغرافیای بافت عبا

عبای تابستانی به طور عمده در بهبهان، کوهپایه اصفهان و بو شهر، به ندرت با تار و پود پنبه‌ای و در اصل به رنگ مشکی و قهوه‌ای بافته می‌شود. عبای زمستانی در محمدیه نایب- که



تصویر (۱): شهرستان بهبهان

اراضی این شهرستان را کوه‌های نه چندان بلندی پوشانیده است که ارتفاع آن‌ها از ۲۳۰۰ متر تجاوز نمی‌کند. رودخانه‌های مارون (طاب)، خیرآباد و زهره این شهرستان را مشروب می‌کنند. هوای آن گرم است و از نظر بارندگی جزء نواحی خشک به شمار می‌آید. بهبهان، آغاچاری و سردشت از شهرهای این شهرستان می‌باشد. شهر بهبهان، مرکز

با استفاده از کرک شتر بافته می شود- از سایر عباهای زمستانی معروف تر است. تولید عبا با رنگ های قهوه ای، شتری، خردلی، سیاه و سفید در کرمان و قزوین مشهور است. گفتنی است که عبا قزوین به طور خاص زمستانی است [یاوری، ۱۳۸۰: ۸۶].

دشتستانی ها نیز عبا و ویژه ای به نام چوقا دارند. حتی شولا را که هنوز هم در میان بختیاری ها رایج است و در دوره زندگی و قاجاریه گسترش یافت، از انواع عبا می شمارند. در شوشتر و بجنستان گناباد خراسان نیز عباهایی با کرک شتر تولید می شود. این نوع عبا را عبا سنگ خورده می نامند [آذر مهر، ۱۳۸۱: ۱۳۲-۱۳۴].

درباره عبا ناین، علاوه بر استفاده از نخ های پنبه ای نمره ۳۲ دولا و یا ۲۵ دولا و کرک شتر، گاه از کرک مرغوبی استفاده می شد که از کرمان به آن منطقه آورده می شد (کرک کرمان از بز کشمیری رایج بافت و از ابتدای زمستان تا پیش از جشن سده چیده می شود) و به ظرافت و دوام مشهور بود. عبا بهبهان به طور عمده به کشورهای حاشیه خلیج فارس به ویژه کویت (از طریق اهواز) صادر می شود [سلطان زاده، ۱۳۶۶: ۲/۳۲۳]. درباره ابعاد عبا نیز باید گفت در عرض ۷۵ تا ۹۰ سانتیمتر و طول ۶ متر بافته می شود و سپس قطعات بافته شده به هم دوخته می شود [همان جا]. جدول شماره یک ویژگی های کلی عبا را نشان می دهد:

با این حال، ابزار و دستگاه های بافت دستی طی قرون و اعصار تکامل چندانی نداشته و همواره تابع شرایط اقلیمی، فصلی، فرهنگی و طبقاتی بوده است [متین، ۱۳۸۳: ۱۰۳]. عبا نیز به عنوان یک دست بافته از این شرایط مستثنا نیست و می توان تاریخ بافت آن را متناسب با تاریخ بافندگی دانست. با این حال، گفته می شود قبل از اسلام بافت عبا در ایران و کناره های رودخانه های دجله و فرات رونق داشته و در جشن ها و مراسم و همچنین هنگام سوارکاری و کوچ از آن استفاده می شده است. حتی هنگام بازی چوگان نوعی عبا بر تن می کردند و برای اینکه به بدن بچسبد و دست و پا گیر نباشد با چند ریسمان رنگین که از شانه ها و دور کمر عبور می کرد آن را جمع می کردند. [دهخدا، لوح فشرده، روایت دوم]. پس از اسلام نیز عبا در میان اعراب رونق بیشتری یافت و استفاده از آن در بین طلاب علوم دینی بسیار رایج شد [معین، ۱۳۸۲: ۶۷۷].

عبابافی در بهبهان

بنا به گفته بزرگان شهر، پیشینه عبا بافی در بهبهان به هزار سال قبل بازمی گردد. قدمای شهر معتقدند تعداد کارگاه های بی شماری برای بافت عبا در شهر وجود داشته که در حال حاضر تنها حدود بیست مکان کارگاهی از آن دوران باقی مانده است که برخی از آن ها مخروبه ای بیش نیست.

ویژگی های ظاهری	از جلو باز است، روپوش، بدون آستین، بر روی شانه ها می افتد.
جنس عبا	۱- کرک شتر؛ ۲- پشم ظریف و پر تاب؛ ۳- به ندرت با تار و پود پنبه
رنگ عبا	سیاه، قهوه ای، شتری، خردلی، سفید و گاه سایر رنگ ها
مناطق بافت عبا	بهبهان، ناین، کوهپایه، بوشهر، کرمان، قزوین، شوشتر، بجنستان و...

جدول (۱): ویژگی های کلی عبا

در عربستان و سوریه عبا نیز استفاده می شود و زنان عرب حتی گاهی آن را بر سر می کشند. غیر مسلمانان همچون مارونی ها و درویشان دروزی نیز عبا می پوشند. عبا مصر نیز معروف، و لباسی مناسب برای تهیدستان در زمستان است [همان جا].

تاریخچه بافت عبا

بافندگی از قدیم ترین صنایعی است که بشر بدان پرداخته است.

عبای تولیدی بهبهان در سال های گذشته از طریق خلیج فارس و بالنج و کشتی به بحرین فرستاده می شد و تاجران و بازرگانان عرب آن را با خود به سایر بلاد عربی و شمال آفریقا برده، به فروش می رساندند؛ اما با شکل گیری پادشاهی کویت عمده صادرات عبا از طریق اهواز به کویت انجام می شد و از آغاز به سایر کشورهای عربی فرستاده می شد. قیمت عبا معمول بافته شده در بهبهان بین ۱۰ تا ۵۰ هزار تومان است.



تصویر (۳): دو نما از خواباندن سِدا در محلول دوشو

مواد اولیه مصرفی برای بافت عبای بهبهان

در بافت عبای بهبهان از پشم گوسفندان استفاده می شود. عبا بافان معتقدند پشم گوسفندان کویری به مراتب مناسب تر از پشم گوسفندان کوهستانی است؛ زیرا عبا باید زیر دستی نرم و لطیف داشته باشد و پشم گوسفندان کوهستانی کمتر این ویژگی را دارد.

پشم به دست آمده از گوسفندان با دست ریسیده می شود. آن ها را پیش از رسیدن، چندین بار می شویند و پس از خشک کردن بر حسب ظرافت و رنگ از هم جدا می کنند. عملیات پشم شویی و رسیدن نخ پشمی به طور عمده در شادگان، ماهشهر و خلف آباد انجام می شود.

نخ دست ریس شادگان از مرغوبیت و معروفیت بیشتری برخوردار است. در اصطلاح محلی نخ دست ریس تهیه شده برای بافت عبا را "کلافه" می گویند. برخی از کلافه ها خود رنگ است و عملیات رنگرزی روی آن ها انجام نمی شود؛ اما برخی دیگر (کلافه های سفید و بدون رنگ) را عبا بافان پیش از بافت، رنگ می کنند. حنا و پوست بلوط رنگزاهای اصلی مصرفی برای کلافه ها در بهبهان است.

بهای هر کیلو نخ آماده شده برای بافت عبا در بهبهان حدود پنج تا شش هزار تومان است و به طور معمول از هر کیلو نخ حدود سه حله به دست می آید.

پس از رنگرزی و آماده شدن کلافه ها به منظور افزایش استحکام آن ها برای مصرف در نخ های چله (تار) که در اصطلاح محلی "سِدا" نامیده می شود- کلافه ها را در محلول شیرۀ خرما- که "دوشو" نامیده می شود- می خوابانند. دوشو به راحتی در آب حل می شود. از دوشو برای آهار زدن چله ها در حین و پس از بافت نیز استفاده می شود. شکل شماره سه عملیات آهار زنی با دوشو را نشان می دهد.

انواع عبای تولیدی در بهبهان

در بهبهان دو نوع عبا تولید می شود:

- ۱- ضخیم یا زمستانی که در اصطلاح محلی به آن "چقه" یا "چاقه" می گویند.
- ۲- نازک یا تابستانی که در اصطلاح محلی به آن "حله" می گویند. حله بهبهان معروف تر از "چقه" می باشد. حله را به طور عمده به رنگ سیاه و چقه را به رنگ قهوه ای تیره یا کرم رنگ تولید می کنند. هر چقه حدود ۲ تا ۲/۵ کیلوگرم نخ می برد، در حالی که برای حله کمتر از ۳۵۰ تا ۴۰۰ گرم نخ پشمی مصرف می شود. مدت زمان بافت با بیشتر شدن ظرافت آن افزایش می یابد؛ اما به طور متوسط بین چهار تا پنج روز طول می کشد تا یک عبا بافته شود. البته باید در نظر داشت افزایش ظرافت بافت سبب نازک تر شدن نخ های تار در بافت می شود و امکان پارگی نخ را زیاد می کند. در نتیجه، برای ترمیم هر باره آن مدت زمان بافت افزایش خواهد یافت. عبای زمستانی را در برخی از مناطق ایران "جوقه" یا "جوقا" نیز می نامند.

مشخصات کارگاه های عبابافی بهبهان

محیط کارگاه عبابافی در بهبهان برخلاف نایین که در دل زمین و یا در عمق غارهای تپه های روستای محمدیه قرار دارد، در فضای باز دایر است. طول کارگاه را بسته به تعداد دستگاه عبابافی بلندتر از عرض آن در نظر می گیرند؛ زیرا برای چله-کشی دست کم به ۶/۵ متر تا ۷ متر مربع فضا نیاز است. شکل شماره دو نمایی از کارگاه عبابافی در بهبهان را نشان می دهد. بهار و تابستان شرایط مناسب تری برای بافت عبا است. طول تقریبی فضای کارگاه عبابافی حدود ده متر برای دست کم چهار دستگاه بافت است. (ابعاد تقریبی یک کارگاه برای چهار دستگاه حدوداً ۱۰ × ۸ متر می باشد.) با وجود این، در تابستان به دلیل گرمای شدید باید فضای بافت با کپر یا چادر پوشانده شود.



تصویر (۲): کارگاه عبابافی در بهبهان



تصویر (۵): نمایی از اوزار، گنجیکی و پنه بندی



تصویر (۶): گرگر و پاچل



تصویر (۷): چودفه



تصویر (۸): چودفه، گنجیکی و پنه بندی

به واسطهٔ عملیات آهار زنی هنگام بافت، "چودفه" به راحتی درون دهنهٔ بافت حرکت می‌کند و سبب سایش و در نتیجه پارگی نخ‌های چله نمی‌شود. عملیات آهار زنی در حین بافت و بر روی دستگاه بافت نیز صورت می‌گیرد برای این کار از ابزاری به نام "پرزّه" استفاده می‌شود که شبیه به فرچه است. شکل شمارهٔ چهار این ابزار را نشان می‌دهد.



تصویر (۴): "پرزّه" جهت آهار زنی

دستگاه عبابافی در بهبهان

دستگاه بافت عبا از نوع دو وردی است که بر روی پاچال نصب می‌شود. این دستگاه بر روی چاله‌ای به عمق ۶۰ سانتیمتر و عرض تقریبی ۱۲۰ سانتیمتر نصب می‌شود. اسکلت اصلی دستگاه بر روی دو چوب نصب می‌شود که در طرفین پاچال قرار دارد و در اصطلاح محلی "پاچل" نامیده می‌شود. روی این چوب‌ها دو چوب افقی نیز برای نصب و نگه داشتن سایر اجزای دستگاه بافندگی در قسمت فوقانی آن قرار دارد که در اصطلاح بدان "گرگر" می‌گویند. به انتهای چوب‌های پاچال که بر روی چالهٔ بافت قرار دارند، چهار چوبی به نام "اوزار" متصل است. نخ‌های "سدا" بین شانه (در اصطلاح محلی لیت نامیده می‌شود) محصور شده، توسط "اوزار" عبور می‌کند. بر بالای "اوزار" دسته‌ای چوبی متصل است که وظیفهٔ آن کوبش نخ پود پس از عبور از دهنهٔ بافت است. این دسته چوبی در اصطلاح محلی "چودفه" نامیده می‌شود. کنترل‌کنندهٔ هر کدام از وردها در اصطلاح محلی "گنجیکی" نامیده می‌شود و دلیل آن شنیدن صدایی شبیه صدای گنجشک هنگام جا به جایی وردهاست. به منظور ایجاد هماهنگی برای حرکت متناسب "گنجیکی" با "اوزار"، چوبی در پایین این دو قطعه قرار دارد. وردها در دستگاه عبابافی در اصطلاح محلی "پنه بندی" نیز خوانده می‌شود. شکل‌های پنج تا هشت هر یک از اجزای نام برده را نشان می‌دهد:

برای جلوگیری از لول خوردگی کناره های عبا بافته شده، کمی جلوتر از نورد چوبی نازک به صورت افقی نصب می شود که در وسط متناسب با عرض بافته تنظیم می شود. در دو سر این چوب سوزن هایی قرار دارد که در کناره های بافته فرو می رود. این ابزار را پس از چند سانتیمتر بافته شدن باز می کنند و کمی جلوتر آن را تنظیم و دگر باره می بندند. با استفاده از این ابزار، عرض بافته کنترل می شود. به این ابزار در اصطلاح نساجی سنتی "متید"، و در اصطلاح محلی بهبهان "تیت" گفته می شود.



تصویر (۱۲): تیت

در بخش پایانی ابزار و درست جلوی مکانی که بافته می نشیند، محور چوبی قطوری هست که عبا بافته شده را به دور آن می پیچد. این محور چوبی قطور را در اصطلاح "نورد" می نامند. برای حرکت و پیچش نورد از دسته ای چوبی شکل استفاده می کنند که در سوراخی از گوشه نورد مهار شده است. این دسته چوبی در اصطلاح محلی "پل پیچ" خوانده می شود. برای بالا و پایین بردن گنجیکی و پنه بندی و عوض کردن ضرب چله ها، از پدالی استفاده می شود که در کف پاچال قرار گرفته است. به این پدال "پغو" گفته می شود.



تصویر (۹): نورد

ابزار بافت عبا در بهبهان

مکو (ماکو)، ماسوره و قیچی ابزارهای اصلی بافت عبا به شمار می آید. نخ پود- که در اصطلاح محلی "لحمه" نامیده می شود- توسط ابزاری- که در اصطلاح "دواره" نامیده می شود- به میزان ذکر شده به دور ماسوره پیچیده می شود. ماسوره پر داخل ماکو قرار گرفته، توسط بافته از بین دهنه بافت عبور می کند. شکل شماره سیزده گردونه و دواره و شکل چهارده مکو و سایر ابزارهای بافت را نشان می دهد.



تصویر (۱۰): پل پیچ



تصویر (۱۴): مکو، ماسوره و قیچی



تصویر (۱۳): گردونه و دواره



تصویر (۱۱): پغو

برای کلاف کردن نخ های سدا ابزار دیگری به نام گردونه به کار می رود. قیچی های مصرفی در بافت عبا از نوع خانگی و معمول است. برای بافت یک چقه سه مکو و برای بافت حله یک مکو مصرف می شود. هر مکو ۳۵۰ تا ۴۰۰ گرم نخ دارد. از "دواره" برای رسیدن نخ نیز استفاده می شود.

جمع کردن و دوختن قطعات عبا

پس از اینکه متر اژ طولی معین (۵ تا ۶/۵ متر) از عبا بر روی دستگاه بافته شد، دست کم پنجاه سانتیمتر از نخ های چله (سدا) را باقی می گذارند و با قیچی آن ها را می برند. برای جلوگیری از به هم ریختن چله کشی، نخ های اضافه باقی مانده را که از "اوزار" عبور کرده، چند تا چند تا گرفته، به یکدیگر مالش می دهند و سر هر چند تا را به هم گره می زنند. به این ترتیب، اساس چله کشی پیشین برای بافت های بعدی حفظ می شود و به هم نمی ریزد. شکل های پانزده، شانزده و هفده مراحل این کار را نشان می دهد.

در پایان کار، ابتدای پارچه بافته شده را که به وسیله میله ای چوبی و کوتاه در وسط نورد محکم شده است در می آورند و عبای بافته شده را جمع می کنند.

روش دوختن عبا مانند چادر است؛ بدین صورت که دو قطعه سه متری بافته شده را به هم کوک می زنند. البته در مواردی که سفارش خاصی باشد، عبا را بلندتر نیز تهیه می کنند. این عباهای سفارشی را در اصطلاح "عبا سعودی" می نامند. برای کوک زدن نیز از همان نخ عبا بافی و با رنگ یکسان استفاده می کنند.

جدول شماره دو اصطلاحات محلی به کار رفته در بافت عبا را در کنار نام آن ها در نساجی سنتی و توصیف هر یک باز می نمایاند:



تصویر (۱۵): بریدن سدا



تصویر (۱۶): مالش دادن چند سدا



تصویر (۱۷): گره زدن سداهای به هم تابیده



تصویر (۱۹): حله



تصویر (۱۸): جدا کردن عبای بافته از نورد

اصطلاح محلی	معنا
حله	عبای تابستانی و نازک
چقه	عبای زمستانی و ضخیم
عبای سعودی	عبای بلند (عبا با دوخت سفارشی)
کلافه	نخ پشمی کلاف شده برای بافت (نخ مصرفی در تار و پود)
سدا (سدا)	نخ های چله (تار)
لحمه	نخ پود
دوشو	شیره خرما برای آهار
پرزه	فرچه آهار زنی
دواره	چرخ ریسندگی و ماسوره پیچی
گردونه	کلاف پیچ
مکو	ماکو
پاچل	چوب ها و محور عمودی اصلی دستگاه بافت
گرگر	چوب ها و محور افقی اصلی دستگاه بافت
اوزار	چهار چوب مهار شانه
شانه بافت	لیت
چودفه	دفتین بافت
گنجیکی	کنترل کننده ورد
پنه بندی	ورد
نورد	محور جمع کننده عباى بافته شده
پل پیچ	دسته چرخش نورد
پغو	پدال تعویض دهنه بافت
تیت	وسیله کنترل عرض بافت (متید)

جدول (۲): اصطلاحات محلی مورد استفاده در بافت عباى بهبهان

منابع

- آذر مهر، گ.، ۱۳۸۱، عبابافی نائین، ماهنامه تخصصی هنر، ش ۵۴-۵۳.
- اقتداری، ا.، ۱۳۶۶، جغرافیایی اقتصاد بهبهان، از مجموعه شهرهای ایران، جهاد دانشگاهی.
- بختیاری، س.، ۱۳۸۳، اطلس گیتاشناسی استان های ایران، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- جعفری، ع.، ۱۳۷۹، گیتاشناسی ایران، ج ۳، از مجموعه دایره المعارف جغرافیایی ایران، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- دهخدا، ا.، لغتنامه دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، مؤسسه فرهنگی ویستا آرا، لوح فشرده، روایت دوم.
- سلطان زاده، ح.، ۱۳۶۶، برخی از خصوصیات شهر نائین، از مجموعه شهرهای ایران، ج ۲، جهاد دانشگاهی.
- گیتاشناسی، ۱۳۶۲، اطلس جیبی ایران، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- سیدصدر، س.، ۱۳۸۶، دایره المعارف هنرهای صنایع دستی و حرف مربوط به آن، انتشارات سیمای دانش.
- غیبی، م.، ۱۳۸۵، هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، تهران: هیرمند.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۷۸، سالنامه آماری کشور ۱۳۷۷، مرکز آمار ایران.

- متین ، پ . ، ۱۳۸۳ ، پوشاک ایرانیان ، شماره ۴۳ از مجموعه از ایران چه می دانم ؟ ، دفتر پژوهش های فرهنگی .
- معین ، م . ، ۱۳۸۲ ، فرهنگ فارسی معین ، ج ۲ ، تهران : نشر ندا .
- مصدر ، م . ح . ، ۱۳۷۶ ، ارجان و بهبهان در میان تاریخ ، انتشارات توفیق بهبهان .
- یآوری ، ح . ، ۱۳۸۰ ، نساجی سنتی ایران ، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی .
- گفتگو و مصاحبه با استاد کار بافت عبا ، ۱۳۸۶ .
- مصاحبه با دست اندکاران تولید عبا بهبهان ، حاج حسین اقصام ، حاج شنبه موئدی ، حاج فرج باوی و حاج فرض ا... مرادی ، خرداد ۱۳۸۷ .
- جمع آوری اطلاعات میدانی و تصویر برداری از کارگاه های بافت عبا ، تحقیق میدانی مرحله اول ، تیرماه ۱۳۸۷ ، با همکاری سیده فاطمه عبدالمطلبی و نازنین جهانمیری .
- جمع آوری اطلاعات میدانی و تصویر برداری از کارگاه های بافت عبا در بهبهان ، تحقیق میدانی مرحله دوم ، آبان ماه ۱۳۸۷ ، با همکاری فرزانه پورکاسب .

- H.Algor , Encyclopedia Iranica , Vol . pp.50 -51

- www.khouzestan.isna.ir/MainKhouzestan/NewsView.aspx?ID=News-56197

- www.tebyan.net

